

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴

جلوه های پایداری در رمان «اصل و فصل» سحر خلیفه و «سووشون» سیمین

دانشور (علمی - پژوهشی)*

دکتر محمد شیخ
استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
زهرا حسن زاده
کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

آن دسته از آثار ادبی که انگیزه های استادگی در مقابل ستم و استبداد را در انسان تقویت می کند، ادبیات پایداری نامیده می شود. این نوع ادبیات معمولاً تحت فشارهای سیاسی، اجتماعی و محدودیت های استبدادی خلق می شود و ادیب راهکارهای نجات خویش را از وضع موجود در سلاح قلم جستجو می کند. «سیمین دانشور» و «سحر خلیفه» دو نفر از ادیبان معاصر هستند که در آثار ادبی آنان جلوه هایی از پایداری جهت دستیابی به هدفی متعالی متجلی شده است. سیمین دانشور یکی از زنان ایرانی معاصر است که نگرش عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و بیدادگری استعمار در رمان «سووشون» او پدیدار گشته است. سحر خلیفه نیز از زنان مشهور فلسطینی است که ایده های استعمارستیزی خویش را در برابر صهیونیست غاصب در رمان «اصل و فصل» به کار گرفته است. این پژوهش با به کارگیری روش توصیفی، تطبیقی، به واکاوی دو رمان پرداخته و چگونگی تأثیر و تأثر دو نویسنده از یکدیگر، شخصیت پردازی ضد استعماری و وام گیری از الگوهای برجسته تاریخ، به بیان جلوه های پایداری و وجوه اشتراک و افتراق رمان های مذکور پرداخته است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۶
sheikh_m20@yahoo.com

*تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۱۱
نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، اصل و فصل، سووشون، استبداد.

۱- مقدمه

اندیشمندان، پیشوایان فکری و حکمای کلام، همواره خود را در مقابل جامعه و زندگی مادی و معنوی مردم مسئول می‌دانند و احساس تعهد و التزام می‌کنند تا با بیان و کلام خویش بستر مناسبی برای جامعه ایجاد کنند و در پی آن جامعه شکوفا شود و به تدریج به کمال برسد. اگر در این مسیر سخن از ستم، استبداد و بی‌عدالتی پیش آید، شاخه‌ای از ادبیات متعهد که ادب پایداری و مقاومت نامیده می‌شود، شکل می‌گیرد. پس «ادبیات مقاومت گونه‌ای از ادبیات متعهد سیاسی است که محتوای آن بیان تلاش‌ها، اخلاص‌ها، ایثارها و بیکارهای ملت است که برای رفع تجاوز دشمنان قدا برافراشته و در این مسیر، رنج دیده و حرمان کشیده است» (نجاریان، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

۱-۱- بیان مسئله

در جهان عرب، ادبیات مقاومت در معنای جدیدش به تدریج بعد از آگاهی عرب‌ها از تحولات و جنبش‌های شکل گرفته در اروپا از اواخر قرن نوزدهم به بعد مطرح گردید؛ یعنی درست همان زمانی که ملت‌های عرب از ستم‌های دولت عثمانی به ستوه آمده و از نقشه‌های استعمار نیز آگاهی یافته بودند و شاهد بیشترین درگیری‌ها، انقلاب‌ها، جنبش‌ها و تغییر و تحولات در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری و تمدنی بودند (ابوحاقه، ۳۸۷۱۹۷۹)، هسته مرکزی و عنصر الهام‌بخش شعر پایداری در ادبیات معاصر عربی، رویارویی با فاجعه ظهور کشوری به نام اسرائیل است؛ رخدادی که در نگاه برخی صاحب‌نظران ادبیات معاصر عربی، از زشت‌ترین تراژدی روزگار کنونی به‌ویژه در گستره جدایی نژادی است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۷۲). این نوع ادبیات به شرح مبارزه، مقاومت، از جان‌گذشتگی برای به دست آوردن آزادی و از بین بردن ظلم، ستم و دفاع از فرهنگ و سنت قومی و باورهای مردم آن سرزمین می‌پردازد و باعث شده ادبیاتی پویا و غنی به ارمغان آورد.

در زبان فارسی نیز سلطه استعمار و استبداد حاکمان در طول تاریخ مخصوصاً در دوره‌های مشروطه، قاجار و پهلوی به اوج خود رسیده و ادبیات پایداری در قالب‌های مختلف ادبی، میدان ستیز با بیداد گردیده است. سیمین دانشور یکی از شخصیت‌هایی است که با تأسی به حضرت

سید الشهدا (ع) در قالب داستان، قلم خویش را به کار گرفته و به مبارزه با استعمارگران آمریکا، انگلیس و روسیه پرداخته است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در مورد جلوه های پایداری در آثار این دو نویسنده از جانب محققان تلاش هایی شده است؛ چنانکه «جمیده عمادالتشه» در سال ۲۰۱۲م پایان نامه ای تحت عنوان «المكان فی روایات سحر خلیفه» در دانشگاه الخلیل فلسطین دفاع نموده است. آقای عبدی و خانم عبادی نیز جلوه های پایداری در دو رمان «الصبار» و «عباد الشمس» را در زمستان ۱۳۹۰ ه.ش در پژوهشنامه نقد ادب عربی دانشگاه شهید بهشتی به چاپ رسانده اند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

آنچه در این پژوهش تلاش شده بیان جلوه های پایداری در رمان «اصل و فصل» و تطبیق آن با رمان «سووشون» سیمین دانشور است. در حقیقت کوشش شده تا این جستار پاسخی برای سؤالات ذیل باشد:

۱. ادبیات پایداری در جامعه فلسطین و ایران در گذشته چه جایگاهی داشته است؟
۲. رمان نویسان عرب و فارس چگونه به موضوع پایداری در ادبیات پرداخته اند؟
۳. خلیفه و دانشور در رمان های «اصل و فصل» و «سووشون» چه جنبه هایی از ادب پایداری را مد نظر قرار داده اند؟
۴. تأثیر و تأثر یا تقلید و ابتکار در رمان های مذکور، بین دو نویسنده چه جایگاهی دارد؟

۲- بحث

۲-۱- ادبیات مقاومت فلسطین

مردم فلسطین به طور عمده عرب و اقلیتی یهودی هستند و با مهاجرت یهود به این کشور قسمت اعظم آن اشغال گردیده است. اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان غاصب و آواره کردن فلسطینیان از موطن اصلی شان از یک سو فضای ظلم، استبداد، جنگ و خونریزی را برای مردم به ارمغان داشته و از سوی دیگر وجدان های پاک ادیبان و شاعران ندای مظلومیت

خویش را در قالب ادبیات مقاومت به گوش جهانیان رسانده و تلاش نموده‌اند تا با فریاد و استمداد از آزادی‌خواهان جهان، کشور را از زیر یوغ صهیونیست نجات دهند؛ آری در چنین فضای آشفته و جنگ‌زده‌ای، ادبیات مقاومت فلسطین شکل گرفت و از همان آغاز یعنی سال ۱۹۴۸ مو اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها و آواره شدن فلسطینی‌ها در کشورهای همجوار و بقیه نقاط جهان، شاعران و نویسندگان با سرودن شعر، نوشتن داستان و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی، ادبیات مقاومت را پدید آوردند و روزه‌روز آن را بارور کردند. «در واقع می‌توان گفت اصطلاح ادبیات مقاومت ریشه در مردم فلسطین دارد» (ترابی، ۱۳۸۹: ۴)

ندای ادیبان در قالب ادبیات مقاومت، مجموعه بزرگی را تشکیل می‌دهد که شخصی به نام کنفانی این مجموعه را در کتابی به نام «ادبیات مقاومت در فلسطین» جمع‌آوری نموده و به جهانیان معرفی کرده است. آنچه در این مجموعه بزرگ قابل ملاحظه است، مجموعه اشعار شعرا، رمان داستان نویسان، نمایشنامه‌ها و سایر قالب‌های ادبی است. از موارد یادشده و نویسندگان معروف رمان "اصل و فصل" سحر خلیفه است که برای آشنایی با بحث بهتر است تأملی در ادبیات داستانی فلسطین داشته باشیم.

ادبیات داستانی در فلسطین بسیار زودتر از گسترش داستان‌نویسی در کشورهای همجوار چون سوریه، مصر و لبنان آغاز شد «فلسطینی‌ها به دلیل آشنایی با فضای مدارس اروپایی و روسی در کشورشان با داستان‌های غربی آشنا شدند و برای نگاشتن داستان‌های کوتاه و رمان دست به قلم بردند؛ اگرچه آشناییدانستان‌های اولیه بیشتر رمانتیک و ذهنی بود، اما از سال ۱۹۲۰ منویسندگان به بررسی وضع اجتماع و توطئه‌های استعماری پرداختند و نقش مهمی در آگاهی مردم ایفا کردند. از داستان‌های این دوره می‌توان به داستان «زندگی پس از مرگ» اسکندر بیجانی، «وارث» نوشته خلیل بیدس، «چلچراغ» نوشته جمال حسینی اشاره کرد (ترابی، ۱۳۸۹: ۷۵). داستان‌نویسان معاصر با گذر از این مرحله رمانتیک و داستان‌های ذهنی به سمت واقع‌گرایی روی آوردند و دوره جدیدی از ادبیات داستانی در این کشور آغاز شد. از نمونه داستان‌های واقع‌گرایی داستان «از پرتو واقعیت» نوشته امین فارس و دو داستان «خواهران اندوهگین» و «کمونیست میلیونر» نوشته نجات صدقی است. از این زمان به بعد داستان‌نویسی فلسطینی‌ها وارد ادب مقاومت گردید و در واقع آغاز

داستان نویسی جدید بود. غسان کنفانی در این دوره با نوشتن به روشنگری مردم پرداخت. از آثار او می توان به «مردان آفتاب»، «تا هر وقت بر گردیم»، «بازگشت به حیفا» و داستان های کوتاه «برگی از رمله» و داستان های منصور اشاره کرد» (همان: ۷۶ و ۷۷).

۲-۲- مقاومت سال ۱۹۳۶ میلادی

در بیست و چهارم تیر سال ۱۹۲۲ مسازمان ملل متحد طرح پیشنهادی قیمومیت بریتانیا بر سرزمین فلسطین را تصویب نمود. این طرح حق عرب های فلسطینی را در اداره کشورشان سلب کرد و به دولت قیم در اداره و قانون گذاری اختیار تام داد تا شرایط سیاسی، اداری و اقتصادی مناسب را برای تشکیل سرزمین یهود فراهم کند. ورود یهودیان از تمام نقاط دنیا از سال ۱۹۲۲ مبه فلسطین آغاز شد اما مبارزه عرب های فلسطین، تحقق توطئه صهیونیستی بریتانیایی را حدود سی سال به تأخیر انداخت و دولت یهودی در اردیبهشت ۱۹۴۸ م به وجود آمد. در این دوره فلسطین از هر نوع مبارزه مسلحانه و غیر مسلحانه فروگذار نکرد و سرانجام در آوریل ۱۹۳۶ م قیامی بزرگ با اعتصاب عمومی شروع شد. این واقعه به انقلاب ۱۹۳۶ م فلسطین معروف گشت. خواسته های مردم در این انقلاب توقف مهاجرت یهودیان به فلسطین و جلوگیری از فروش زمین به یهودیان بود. مبارزات با شدت بیشتری ادامه یافت و نتیجه آن لغو تقسیم فلسطین و اعلام به پایان رسیدن ورود یهودیان شد. اینجا بود که ادیبان و اهل قلم نیز دست به کار شدند و جبهه های خونین را با سلاح قلم آغاز کردند و وقایع تلخ سالیان گذشته را به تصویر کشیدند. یکی از این صحنه ها که به قلم سحر خلیفه ترسیم گردید، رمان «اصل و فصل» است.

۲-۳- سحر خلیفه و رمان «اصل و فصل»

سحر خلیفه از رمان نویسان مشهور فلسطینی است که در سال ۱۹۴۱ مدر نابلس متولد شد. وی در سال ۲۰۰۹ م رمان «اصل و فصل» را درباره تاریخ فلسطین، اعتصاب فلسطینی ها در سال ۱۹۳۶ م و مسائل اجتماعی و سیاسی آن زمان چاپ کرد. مفهوم کلی اثر او پیرامون فلسطین و زن است که با شخصیت پردازی از آل قحطان موضوع را به تصویر کشیده است. فلسطینی ها در برابر اشغالگران صهیونیست و زن در مقابل مرد، دو موضوعی است که در رأس توجه قرار دارد. اوبه قضیه اشغالگری

اسرائیل و بریتانیا و بازتاب‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تسهیل مهاجرت یهودی‌ها به فلسطین توسط بعضی شخصیت‌های رمان اشاره می‌کند. قبل از «اصل و فصل» سحر خلیفه رمان‌های دیگری نیز نگاشته است. اولین رمان وی با نام «لم نعد جوارى لکم» در سال ۱۹۷۴مدر قاهره به چاپ رسید. وی پس از نوشتن دومین رمان خود، به نام «الصبار» شهرت پیدا کرد و تاکنون نه رمان به چاپ رسانده که آخرین آن «اصل و فصل» نام دارد. اگر به دقت بررسی شود، نوعی رابطه دوسویه در بیشتر رمان‌های او نمود دارد؛ به طوری که نمی‌توان بین مبارزه علیه اشغالگران و مبارزه با ظلم مردان بر زنان تفکیک قائل شد. او عقیده دارد آزاد سازی وطن از زیر یوغ اشغالگران بدون آزادسازی زن از قید مردان خود کامه و مستبد به طور کامل انجام نخواهد شد» (نیه، ۲۰۱۰: ۵)؛ هر چند موضوع زن یکی از محورهای اصلی رمان اوست، اما پرداختن بدان مجال دیگری طلبد. خلیفه از جمله نویسندگان و پژوهشگران عرب است که علیه توطئه‌های استکبار جهانی و سیاست‌های اسرائیلی به پا خاست و با خلق رمان‌های ضد صهیونیستی، توانست مردم عرب را از توطئه‌های مکرر دشمن آگاه سازد. او در داستان‌های خود به طور ضمنی و صریح هرگونه سازش با اسرائیل و به رسمیت شناختن آن را رد کرد. او حتی جایزه‌ای که در سال ۲۰۰۹م به نام «سیمون دوبوار» به مناسبت صدمین سال تولد این فیلسوف و ادیب فرانسوی به وی اهدا شد نپذیرفت. او در مصاحبه‌ای گفت که قبول این جایزه نوعی عادی‌سازی روابط اسرائیل به شمار می‌رود و قبول نیمی از آن جایزه، یعنی نیمی از به رسمیت شمردن است. تلاش برای زنده ماندن، یکی از بن‌مایه‌های اصلی این رمان را تشکیل می‌دهد. خلیفه معتقد است باید در برابر دشمن پایداری کرد و نبرد و جنگ مستقیم را بهترین راه برای آزادی مردم فلسطین می‌داند. او هیچ‌گاه در رمان‌هایش از جمعیت پراکنده یهودیان به نیکی یاد نکرده است. «خلیفه همواره شخصیت‌های اصلی داستان‌های خود را شفاف خلق می‌کند؛ چه این افراد در عملیات‌های زیرزمینی شرکت داشته باشند و یا در فروشگاه‌ها و مغازه‌ها کار کنند و چه پنهانی علیه حکومت اسرائیل فعالیت داشته باشند» (پارسی نژاد، ۵۶: ۱۳۸۸ تا ۶۱).

۲-۴- ادبیات پایداری ایران

آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن و پیشرفت مغرب زمین، گسترش ارتباطات، ایجاد مدارس و روزنامه‌ها و استبداد دوره قاجار در کنار عواملی چون نبود آزادی، عدالت، پذیرش سلطه استعمارگران از سوی حکام قاجار، بستن قراردادهای ننگین با دولت‌های خارجی و استعماری، بی‌اعتنایی به خواسته‌های مردم، جنگ‌های ایران و روس و قرارداد ۱۹۰۷م همه و همه منجر به قیام‌های مردمی به رهبری روحانیت گردید. بارزترین دوران ادب پایداری در ایران، عصر مشروطه است. در این دوره، گونه‌های مختلف ادب چون داستان، طنز، شعر، تصنیف و نمایش‌نامه، عرصه ستیز با بیدادگری حکومت، رخوت‌زدگی جامعه، تبعیض و بی‌عدالتی، جهل و بی‌قانونی و گاه نیز ستیز با مظاهر دینی و شعائر مذهبی پدیدار گشت. دو جریان روشنفکری غربی و شرقی در این دوره شکل گرفت و شاعران و نویسندگان به کمک روزنامه‌ها به ستایش وطن، گذشته‌های افتخارآمیز، دعوت به مبارزه و تاختن به مظاهر بیداد و تمسخر آنها پرداختند. دوره پهلوی و وابستگی به انگلیس و امریکا، وقایعی چون ملی شدن صنعت نفت، قیام پانزدهم خرداد و سرانجام پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ه.ش باعث شکوفایی ادبیات مقاومت شد. در این دوره ادبیات مقاومت در اشکال مختلف ملی، مذهبی و تاریخی در ادب فارسی نمایان گشت. دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس بخش مهمی از ادبیات مقاومت در طول سی سال می‌باشد. وجه تمایز ادبیات این دوره ارائه صورتی کاملاً متعهد از ادبیات و شعر است که تقریباً در هیچ دوره‌ای از ایران نظیر ندارد. بی‌تردید از منظر زمانی انقلاب شکوهمند اسلامی و پس از آن دوران جنگ تحمیلی، بهترین نمونه‌های شکفتن و به اوج رسیدن چنین ادبیاتی در دوره معاصر ایران به شمار می‌رود. زمانی که شعر فریاد مبارزان بود و طوفان انقلاب و سیل خروشان ادبیات پایداری و ادبیات عاشورایی و کربلایی، ادبیات را ابزار تعالی انسان قرار داد (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۴).

۲-۵- نقد و تطبیق دو رمان با رویکرد ویژگی‌های ادبیات پایداری

سیمین دانشور نویسنده ایرانی تبار خطه شیراز در سال ۱۳۰۰ه. ش (۱۹۲۱م) متولد شد و در سال ۱۳۴۸ رمان معروف خویش را منتشر ساخت. سحر خلیفه رمان نویس مشهور فلسطینی هم در سال ۱۳۲۰ه. ش (۱۹۴۱م) متولد شد و پس از چند کار مهم و بارز، سال ۲۰۰۹م رمان معروف «اصل و فصل» را منتشر نمود. از بررسی اجمالی دو رمان چنین برمی آید که در بخش‌های مختلف شباهت‌هایی وجود دارد و در قدم اول ذهن به سمت تأثیر و تأثر و بهره‌گیری یکی از دیگری هدایت می‌شود. با توجه به زمان انتشار رمان‌ها و نقاط مشترک موجود، به نظر می‌رسد سحر خلیفه به ایده‌پردازی‌های دانشور دست یافته و شخصیت‌های داستان را بومی‌سازی کرده باشد، اما آنچه از اشتراک افکار بین دو نویسنده ملاحظه می‌شود عبارتست از:

۲-۵-۱- دعوت به مبارزه و مقاومت

رمان اصل و فصل بر مبنای واقعیت‌ها تنظیم شده است. واقعیت‌های فلسطین جنگ با استعماری است که نیامده تا به راحتی و با تساهل و تسامح برود. خروج این غاصب جز با مقاومت در میدان‌های نبرد امکان‌پذیر نیست. کسانی چون «عزالدین قسام» می‌خواهند تا از جان‌گذشتگی کنند و با بسیج عمومی چون کوهی بلند و ستر با اعتقادی استوار به جهاد با دشمن غاصب برخیزند و تا مرز شهادت دفاع کنند؛ چنانکه شیخ قسام در مسجد جامع قیام نموده، می‌گوید: بشتابید و جهاد کنید و در پی من راه افتید «هَذَا هُوَ الْوَقْتُ لِلثُّورَةِ، هَلُمُّوا لِلْجِهَادِ، اَتْبَعُونِي» (خلیفه، ۲۰۰۹: ۳۸۰).

انقلاب قسام منجر به شهادت وی شد و توسط انگلیسی‌ها و یهودیان قلع و قمع گردید، ولی نتیجه آن اعتصاب مشهور ۱۹۳۶م بود گروه‌ها و احزاب زیادی در آن شرکت کردند. سراسر فلسطین در پی این اعتصاب تعطیل شد و اتفاقی رخ داد که بسیاری از رهبران و دوستان انگلیس را خوش نیامد. این نارضایتی در سخنان قسام به یکی از سیاستمداران به وضوح دیده می‌شود، آنجا که می‌گوید: رهبران قدس تنها به فکر منافع و مصالح خودشان هستند و به اراضی ازدست رفته و آوارگی فلسطینیان نمی‌اندیشند. آری سحر خلیفه، قدس را به عنوان یکی از ارکان نمایشنامه خود خوب تشخیص داده که آن سرزمین سیاستمداران وطن فروش است و می‌گوید: «بَلَدُنَا تُضَيِّعُ مِنْ أَيْدِينَا، بَاعُوا فَلَسْطِينَ وَبَاعُونَا، وَهَاهُمْ يَنْتَزِعُونَ أَرْضِينَا قِطْعَةً قِطْعَةً. اتَّفَاقٌ»

مکتوب بین اليهود و بین السلطه، الابداب یسن القوانين و یشرعها، وتكون النتيجة إفقار الناس ونزوح القرویین عن أراضيهم... زعماء القدس یظنون أن الدورکن یصلهم لأنهم لا یفکرونألا بالکسب و مصالحهم...» (همان : ۲۲۷). کشورمان از دستانمان ربوده شد. ما و فلسطین را خریدند. آگاه باش سرزمینمان را قطعه قطعه کردند. پیمان مکتوب بین یهود و پادشاهان و رهبران قیومیت است که قوانین را وضع و اجرا می کنند؛ نتیجه آن فقر و بیچارگی مردم و آوارگی روستائیان از سرزمینشان است... رهبران قدس گمان می کنند همانا نقشی ندارند، زیرا آنها جز منفعت و مصالح شخصی خویش نمی اندیشند. (اشاره به وعده بالفور و تشکیل دولت ملی یهود و قیومیت بریتانیا).

سرانجام با لو رفتن مخفیگاه گروه قسام و رسیدن نیروهای پلیس، عده ای مزدور عرب از شیخ و طرفدارانش خواستند تا تسلیم شوند، اما وی تسلیم نشد و از یاران خود خواست تا افتخار شهادت را بر خواری ترجیح دهند و چنین نیز شد. روش های تشکیلاتی قسام، محکم، پیوسته و مخفیانه بود. بیشتر افراد تشکیلات او را فقرای فلسطینی و کارگران و کشاورزان تشکیل می دادند. استراتژی قسام با اتکای مردم فلسطین به خویشتن استوار بود، زیرا معتقد بود کشورهای عربی مجاور، زیر سلطه استعمار به سر می برند. پیکرهای پاک شهید قسام، یوسف عبدالله زیباری و سعید عطیه مصری (از یاران نزدیک قسام) پنج کیلومتر بر دوش فلسطینیان حمل شد و در خلال آن تشییع کنندگان بدون توجه به تیراندازی نیروهای پلیس و نظامیان انگلیسی، با آنان درگیر و بر اثر این درگیری عده ای شهید یا زخمی شدند.

باید توجه داشت شیخ قسام در این مبارزات مظهر تبلور افکار سحر خلیفه است؛ چرا که آنچه خلیفه در سر می پروراند قسام در مبارزات خویش ندایش را سر می دهد. او دوران اسلام را دوران اتحاد تمام ملت ها می بیند. اسلام را حلقه اتصال و وحدت تمام بلاد می داند، اما دوران حاکمیت انگلیس، دوران جاهلیت جهلا و حاکمیت سیاه تفرقه های قبیله ای است. وی دعوت می کند که «عروة الوثقی»، اسلام است و ایمان به اسلام، وحدت و اخوت می آورد؛ آنجا که آورده است: «زمن الإسلام کنا و حدة، من الأناضول حتی السودان حتی الیمن حتی المغرب،

زَمَنِ الْإِنجِلِيزِ عُدْنَا الْقَبَائِلَ. فَلَوَاسْتَرَجَعْنَا مَنَارَتَنَا وَ تَمَسَّكْنَا بِعُرَى الْإِسْلَامِ، لَعُدْنَا أُمَّةً وَ تَفَوَّقْنَا. هُوَ الْإِسْلَامُ نَاصِرُنَا وَ مَخْلَصُنَا فَلَنَتَمَسَّكْ بِعُرَى الْإِسْلَامِ فَإِيْمَانُ النَّاسِ يُوَحِّدُهُمْ وَ يُقَوِّبُهُمْ» (همان: ۲۲۸).

زمان اسلام از آناتولی تا سودان و یمن و مغرب همه ما یکی بودیم، اما در زمان انگلیس به قبایل پراکنده ای تبدیل شدیم. اگر به نور اولیه اسلام بازگردیم و به دستگیره آن چنگ زنیم، به امت واحد باز گشته، پیروز می شویم. اسلام یاری کننده و نجات بخش ماست؛ پس به اسلام ناب تمسک جویم. ایمان، مردم را متحد و یک دل می کند.

مبارزه طلبی در سویدای قلب خلیفه جای گرفته است. گویا از مبارزه و شمشیر به دست افرادی چون عزالدین قسام لذت می برد. او جز به پایداری در مقابل مستبدان نمی اندیشد. تاریخ عرب و عجم را ورق می زند و خاطرات رادمردان را بستر ذهنش می گرداند؛ چون ابیات «ابراهیم طوقان» و خاطراتی از «اکرم زعتیر» و «خلیل السکاکینی» را می شنود و می خواند، در دل خورشیدی دل افروز روشن می شود و از آنها به نیکی یاد می کند؛ چرا که در ادبیات خویش پایداری نشان داده اند. ابیات زیر از ابراهیم طوقان لذت بخش است؛ آنجا که می گوید:

مَا لَكُمْ بَعْضُكُمْ يُمَرِّقُ بَعْضًا	أَفَرَعْتُمْ مِنَ الْعَدُوِّ اللَّذْدُودِ
كُلُّ هَذَا اسْتِفَادَةٌ بَيْنَ فَوْضَى	و شِقَاقٍ وَ ذَلَّةٍ وَ هُجُودِ
وَ اسْتِغَالٍ بِالثَّرَاهَاتِ وَ حُبِّ	اللَّذَاتِ عَنِ نَافِعِ حَمِيمٍ مَجِيدِ
شَهْدِ اللَّهِ أَنَّ تِلْكَ حَيَاةٌ	فُضِّلَتْ فَوْقَهَا حَيَاةُ الْعَبِيدِ

(طوقان، ۱۹۹۳: ۲۲۶)

شمارا چه شده است که کمر به نابودی همدیگر بسته اید؟ آیا از دشمن سرسخت غافل شده اید؟ همه اینها نتیجه ای جز بدبختی، ضلالت و خواری، غفلت و سرگرمی به کارهای بیهوده و خودبینی و مصلحت طلبی به جای منافع گسترده و پسندیده چیز دیگری ندارد. خدا شاهد است اگر زندگی همین گونه جریان یابد، نتیجه ای جز اسیری و بردگی نیست.

رمان سووشون نیز شاهکار و نمونه ستیزه جویی، مقاومت و ایستادگی در مقابل ستمکاران، بیگانگان و ظالمان است. هر کدام از شخصیت ها به گونه ای درگیر مبارزه با استبداد، استعمار و

دخالت‌های بیگانگان هستند. یوسف نماد کامل مبارزه است و حس مبارزه در او موج می‌زند. به وضوح دیده می‌شود فردی آرمانی و سازش‌ناپذیر است. علاوه بر او شوهر عمه‌خانم (خواهر یوسف) شخصیتی است نظیر یوسف که معتقد است باید انگلیسی‌ها از کشور بیرون بروند. مجید دوست و هم‌فکر یوسف است که مثل او می‌اندیشد و آذوقه به انگلیسی‌ها نمی‌فروشد. پرداختن به واقعه عاشورا در رمان و پیوند آن با اسطوره سیاوش، حس مبارزه با ظلم را برانگیخته است. در این رمان به نوعی زاری بر مظلومیت و تلاش برای رسیدن به آزادی است و در سال‌های اول انقلاب اسلامی در وجود انسان‌های انقلابی، شور و حرکت ایجاد کرد.

دانشور می‌گوید: «در این رمان زاری بر سیاوش، زاری بر ملت ایران است و من در سووشون به ایهام بر داغ‌های مردم ایران گریسته‌ام. شهادت یوسف و مراسم دفن کردن او به یک صحنه مبارزه و ستیز با استعمار بدل شده است؛ به گونه‌ای که همه مردم را یکجا و متحد می‌کند. پایان داستان، تجلیل از شهادت است. حس مبارزه و مقاومت و بیداری در زری هم ایجاد می‌شود و در خواننده نوعی آگاهی، جنبش و حرکت در برابر زور و بیگانگان شعله‌ور می‌شود. «شوهرم را به تیر ناحق کشته‌اند، حداقل کاری که می‌شود کرد عزاداری است. عزاداری که غدغن نیست. در زندگیش هی ترسیدیم و سعی کردیم او را بترسانیم، حالا در مرگش دیگر از چه می‌ترسیم؟ آب از سرمن یکی که گذشته...» (دانشور، ۲۹۰: ۱۳۴۸). در حرف‌های ماشاالله پیوند رمان با کربلا و امام حسین (ع) به نمایش گذاشته شده است. هنگامی که سرپاسبان جمعیت را به متفرق شدن و سپس تهدید فرا می‌خواند، ماشاالله جلو می‌آید و می‌گوید: «سرکار، داشت را که می‌شناسی. وقتی حرفی زد روی حرفش می‌ایستد. ما قصد آشوب که نداریم، عزای همشهریمان را گرفته‌ایم. انگار کن اینجا کربلاست و امروز عاشورا است. تو که نمی‌خواهی شمر باشی؟» (همان: ۲۹۷).

اشاره به واقعه کربلا بر بعد حماسی اثر می‌افزاید. خوانندگان فارسی‌زبان که با روح واقعی قیام امام حسین (ع) و نهضت عاشورایی آشنا هستند، بین شخصیت‌های داستان و مرگ سیاوش و همچنین پیام رمزی رمان که دعوت به قیام علیه ظالم است، پیوند و ارتباط ایجاد می‌کنند؛

بنابراین اگر تلاش‌ها به بهای از دست دادن جان و شکست ظاهری تمام شود از تأثرشان نمی‌کاهد.

در مقایسه رمان‌های مذکور با رویکرد دعوت به مبارزه، به نظر می‌رسد دانشور از توفیقات بیشتر برخوردار است؛ چون شخصیت پردازی او به گونه‌ای تنظیم شده که در خواننده روح حماسی ایجاد می‌کند. این روح، الگوی ثابت، استوار و شکست‌ناپذیر دارد. الگوش سیدالشهدا (ع) است که برای همیشه ماندگار است و پایه‌های اعتقادی محکمی دارد. تک‌نداها و فریادهای پراکنده‌ای نیست که با حبس و تبعید و شهادت خاموش شود. نظام سازمانی دارد که قائم به شخص نیست. اگر شخصی در مسیر مبارزه خویش کشته شود، نظام کار می‌کند و خلأ را پر می‌کند و این نظام‌ها ریشه‌کنی ظلم همواره تجدید می‌شود.

سحر خلیفه در اندیشه استعمارستیزی خویش از مرحله گفتگو، مسالمت و مدارا گذشته و بر این باور است که ظلم و استعمار با حرف، جلسه و کنفرانس کنار نمی‌رود و باید مبارزه مسلحانه کرد. وی از مبارزات مسلحانه عزالدین قسام خوشحال می‌شود. افکار ابراهیم طوقان و زعتیر و امثال آن را می‌پسندد، ولی نیاز است این نداها و فریادها و حرکت‌های کوچک، سازمانی بزرگ درست کند؛ سازمانی که بر پایه اعتقاد و عزم راسخی شکل می‌گیرد و با شهادت قسام چرخ‌های آن از حرکت باز نمی‌ماند و لازم است که با انسجام جویبارهای کوچک، تبدیل به رودخانه و دریا شود و در مقابل ظلم هیچ‌گاه باز نایستد.

اگر تأسی جستن دانشور به قیام امام حسین (ع) در مقابل ظلم و بیدادگری را به عنوان یک محور و اصل در نظر بگیریم، به افکار دو نویسنده از زاویه دیگر نیز می‌توان نگریست. منظور آن بعدی از مبارزه است که در هدف قیام سیدالشهدا نهفته است. سیدالشهدا برای ریشه‌کنی ظلم و بی‌عدالتی از جامعه بشریت قیام کرد و هدف از قیام او نجات یک ملت و یک کشور نبود. با این نگاه اندیشه خلیفه که نجات فلسطین از چنگال یهود غاصب، است جای تأمل دارد.

۲-۵-۲- مظلومیت و بحران‌زدگی مردم

اگر رمان «خلیفه» با تأمل و تعمق مورد بررسی و پژوهش واقع شود، می‌بینیم که توجه بیشتر او به مردم فلسطین است؛ مردمی که تحت تأثیر ظلم و آوارگی قرار گرفته و با هجوم بیگانگان

از شهر و دیار خود آواره شده‌اند. تمام مسیرهای بین شهرهای داخل شهرها مملو از توپ و تانک‌های دشمن یهودی است. "کانت الطریقُ الی حیفا قدسُدَّتِ بِمَدافِعٍ وَ دَبَّابَاتٍ" (خلیفه، ۲۰۰۹: ۱۰). دشمن با مردمی در ستیز است که دست‌هایشان خالی است و هزاران نفر مانند مورچه زیر پا له می‌شوند، در خون می‌غلتنند و گویا گریه و خوف همواره باید باقی بماند: «آلافُ النَّاسِ مِثْلُ النَّمْلِ وَ عِلْمٌ كَبِيرٌ يَسْقُطُ مِنْ فَوْقٍ وَ يَغْرَقُ بِالْدمِ الْدمُ لِّلرَّكْبِ. آه یا ویلی و بکت و بگینا ماژلنا نَرْتَعِدُ بِالْخَوْفِ» (همان: ۱۰).

هرچند موضوع فلسطین و زن دو رکن اساسی رمان خلیفه را تشکیل می‌دهد، اما در اینجا مجال پرداختن به مسئله زن نیست. آنجا که به موضوع زن و گرفتاری‌های آن می‌پردازد، می‌توان انسانیتی را دنبال کرد که در مسئله فلسطین به چشم می‌خورد. همچنان که همه افراد انسانی حق حیات دارند و هیچ کس نباید به حقوق دیگری تجاوز کند. اسرائیل نباید به حقوق فلسطینیان تجاوز نماید و زنان هم نباید مورد ظلم و تعدی برخی مردان قرار گیرند.

صحنه ظلم و ستمی که سحر خلیفه در فلسطین به تصویر کشیده، مدل جدیدی است از آنچه سال‌ها قبل نقاش دیگر این صحنه، در ایران ترسیم کرده است. سیمین دانشور مدت‌ها قبل چهره مردم شیراز را می‌بیند که تحت تأثیر جنگ جهانی غبار بحران، گرسنگی و بیماری گرفته است. «زمانی که ایران به اشغال متفقین درآمده بود؛ موجی از هرج و مرج و بلا تکلیفی سراسر کشور را دربر گرفته و اوضاع امنیتی کاملاً بی‌ثبات بود. بسیاری از امرای ارتش و افسران ارشد گریخته بودند. سربازان باقیمانده در سربازخانه‌ها مواد خوراکی در اختیار نداشتند. نظم و امنیت در هیچ رده ارتش برقرار نبود. دزدی‌مانزولو غارت مغازه‌ها افزایش یافته بود و نظامیان نیز در این غارتگری‌ها نقش داشتند. شاعر نوپای علیه شاه به پشت دیوارهای کاخ رسیده بود. در آن روزها شهرهای کشور به ویژه تهران، با کمبود نان و سایر ارزاق مورد نیاز مردم روبرو بود. هزاران غیر نظامی زیر بمباران شهرهای مختلف جان باختند و خسارات سنگینی به تأسیسات اقتصادی کشور و اماکن زندگی مردم وارد آمد. کشور دچار قحطی شد و مردم از لحاظ نان و ارزاق به شدت در مضیقه قرار گرفتند» (تاج بخش، ۱۳۷۴: ۶۷ تا ۷۹).

چنانکه ملاحظه شد وجه مشترک هر دو رمان در این بخش مشکل نامنی و پیامدهای آن است. در فلسطین مردم از شهر و دیار خود آواره شده، در زیر پا له می‌شوند و با دست خالی نمی‌توانند با توپ و تانک دشمن مقابله نمایند. در ایران هم گرسنگی، بیماری، دزدی، غارت و هرج و مرج ناشی از تأثیر جنگ جهانی سراسر کشور را فرا گرفته، مردم فشارهای سنگینی را تحمل می‌کنند. در این قسمت می‌توان گفت هر دو نویسنده رمان وجه مشترکی برای بیان دردهای جامعه انتخاب کرده‌اند.

۲-۵-۳- میهن‌دوستی

حبّ وطن در درون انسان امری ذاتی است. انسان به طور طبیعی با محیطی که در آن پا به عرصه وجود گذاشته، انس و الفت پیدا می‌کند. جسم، روح و عواطف انسان همواره با محیط زندگی او خو می‌گیرد و خودبه‌خود علاقه و دلبستگی ایجاد می‌کند. میزان علاقه و دلبستگی با میزان رشد جسم و روح در محیط مرتبط است، به‌حدی که گاه برای انسان پیوند ناگسستگی از فضای رشد و زندگی ایجاد می‌کند.

سحر خلیفه با انتخاب عنوان «اصل و فصل» برای رمان خویش فصل الخطاب میهن‌دوستی را برگزیده است. «اصل» همان مادر و سرآغاز است. اصل «وطن» است و «فصل» نمادی از فرزندان عزیز این وطن است. «سّتی زکیه» نمادی از مادر اصیل و وطن ریشه‌دار فلسطینی است که فصول و شاخه‌هایی چون وحید، (نماد مبارزه علیه بیگانگان و پیوستن او به انقلابیون قسّام) و امین (سیاست‌مدار جامعه که اعتقاد به حل مسئله از طریق گفتگو می‌باشد) و وداد (زنی که تمام قیود را کنار می‌نهد و از درون خانه به متن جامعه و تظاهرات انتقال داده می‌شود) در دامن خود پرورش می‌دهد. وی معتقد است که فرزندان نباید در خدمت مادر (وطن) خویش باشند و از آن دفاع کنند. بی‌پناهی، آوارگی و مهاجرت حقّ این مادر نیست و نباید زیر چکمه‌های اشغالگران لگدمال شود؛ اما متأسفانه ستون پنجم دشمن چون ماری در آستین پرورش یافته و در قالب چهره‌ای خود فروخته به نام «رشید» - برادر سّتی زکیه - ظاهر می‌شود و برای یهودیان کار قاچاق اسلحه انجام می‌دهد، اما ظاهراً خلیفه یک مبارز میدان نبرد است و تمام گرفتاری‌ها را می‌داند. بی‌توجهی به مسئله اشغال و خیانت به سرزمین مادر را مورد اعتراض قرار می‌دهد و از

این طریق می‌خواهد مردم را دعوت به اتحاد و مبارزه کند. همچنین او می‌داند جنگ، سختی فراوان دارد. گرفتاری‌های سیاسی مسیر صلح از یک سو، خیانت جبهه خودی از سوی دیگر، کمبودها، آوارگی‌ها، همه و همه نیاز به مقاومت و حماسه را دوچندان می‌گرداند و یأس را می‌زداید و امید به آینده را زنده می‌گرداند.

خلیفه در لابه‌لای رمانش به وضع عادی مردم و رهبران در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۶ اشاره می‌کند. یک طرف یهودیانی را می‌بیند که با تشکیلات حزبی و سیاسی منسجم، برای خرید اراضی فلسطین و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین و تشکیل دولت یهود تلاش می‌کنند و طرف دیگر عرب‌ها را ملاحظه می‌کند که برخی در جبهه ضد اشغالگری و ضد قیومیت انگلی، سعی در طرد آنها و تلاش برای آزادی دارند و برخی در جبهه ضد یهودی با مهاجرت یهودیان به فلسطین، شهرک‌سازی و قاچاق اسلحه برای یهودیان مبارزه می‌کنند.

سرانجام یهودی با انگلیسی علیه فلسطینی‌ها متحد شد و کشور را از هم جدا کرد و هر حرکت و مقاومتی را به خمود کشاند و جنبش‌ها و انقلاب‌ها را خاموش کرد. کم‌کم جنبش‌ها به کوه‌های شمالی و خارج از شهر کشیده شد و عموماً به شکست منجر گردید. هدف خلیفه در بیشتر جاها از آوردن این‌ها سؤالاتی است که در ذهنش ایجاد می‌شود و جوابی برای آنها نمی‌یابد.

در رمان سووشون چند مطلب محوری ملاحظه می‌شود که به نظر می‌رسد با نمادهای رمان اصل و فصل قابل تطبیق باشد؛ به عبارت دیگر نمادهایی است که سحر خلیفه از آنها بهره برده است. در داستان سووشون «خانه» نماد جامعه آن روز ایران است. «یوسف» حاکم و نماینده روشنفکران کشور است که حاضر نمی‌شود تحت نفوذ و سیطره بیگانگان قرار گیرد و به هر شکل حتی با نفروختن گندم به آنها تا آخرین لحظه زندگی خویش مبارزه می‌کند.

«زری»، قهرمان اصلی رمان، زنی تحصیل کرده و در کشور، نمونه است و تمام دغدغه‌اش حفظ بنیان خانواده‌ای است که در این فضای متلاطم به وجود آمده است. زری خانواده‌اش را «وطن» کوچک خود می‌داند و تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا شوهرش در برابر حاکمان

و بیگانگان زور گوايستادگی نمايد، چنان که آورده است: «زری گریه کنان گفت: هر کاری می‌خواهند بکنند، اما جنگ را به لانه من نیاورند... شهر من، مملکت من همین خانه است.» خسرو و هرمز، فرزندان این میهن‌اند که خواه ناخواه راه پدر را ادامه می‌دهند. ابوالقاسم خان، برادر بزرگ‌تر یوسف، خود فروخته‌ای است که در کنار مستر زینگر و نماینده بیگانگان انگلیس قرار دارد.

۲-۵-۴- شهادت طلبی

بی‌شک فراگیر شدن فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه موجبات رشد بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری را فراهم می‌کند. گسترش روحیه تعاون و همکاری، احساس مسئولیت در قبال سرنوشت و معیشت دیگران، تلاش جهت مفید بودن برای سایرین در سایه این فرهنگ شکل می‌گیرد و افراد جامعه مجال رشد می‌یابند و روحیه قناعت، ساده‌زیستی، تواضع و خودگذشتگی پرورش پیدا می‌کند؛ لذا نسل حاضر باید به فرهنگ ایثار، شهادت، خودباوری و اعتماد به نفس، مجهز و مزین گردند. هفتاد سال پیش یا بهتر است بگوییم در ۱۹ نوامبر سال ۱۹۳۵ مشیخ مجاهد، عزالدین قسام به شهادت رسید. شهادت قسام رویدادی گذرا نیست، بلکه نقطه عطفی در تاریخ فلسطین به شمار می‌آید. شهادت ایشان آتش مبارزه علیه استعمار انگلیس را طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ م شعله‌ور ساخت؛ استعماری که در آن زمان در تسهیل روند مهاجرت یهودیان جهان به فلسطین نقش بزرگی داشت. تقریباً تمامی تاریخ‌نگاران و تحلیل‌گران سیاسی بر این نکته اتفاق نظر دارند که شیخ عزالدین قسام در تبلیغ دین، شیوه خاص و منحصر به فرد خود را داشت و رهبر جنبشی جهادی بود که از همه جبهه‌های مبارزه زمان خود، گوی سبقت ربوده بود. این شیوه منحصر به فرد در پروراندن نسلی مجاهد، جلوه‌گری می‌کرد. ایشان با تشکیل جلسات سری در خانه خود و برخی دوستانش، عده‌ای را انتخاب و آنان را برای جهاد آماده می‌کرد.

در رمان «اصل و فصل» شهادت عزالدین قسام باعث می‌شود که همه یکجا جمع شوند و صحنه تشییع جنازه تظاهرات ضد استعمار انگلیس و یهودیان تبدیل و به اعتصاب ۱۹۳۶- ممنجر گردد. شهادت قسام بازتاب وسیعی در میان فلسطینیان داشت؛ بازتاب چهره مبارزی که

علیه ظلم و ستم به پا خاسته و از بن مایه ایمان و شهادت بهره برده است: هَذَا الْإِيمَانُ بِالرِّسَالَةِ هُوَ نُورُ الْحَقِّ، وَ كُلُّ مَا عَدَاهُ وَ هُمَّ وَ بَاطِلٌ. هُوَ نُورُ اللَّهِ، وَ الْحُرِّيَّةُ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، اقْتِدَاءً بِكُلِّ مَنْ سَبَقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ مَنْ عَلَى أَعْوَادِ الْمَشَانِقِ (خلیفه، ۲۰۰۹: ۳۷۹). ایمان به رسالت، نور حق، نور خدا، آزادی و جهاد در راه خداست. پیروی از تمام کسانی است که از چوبه‌های دار به سمت بهشت شتافته‌اند. غیر از ایمان به رسالت، همه و هم و باطل است.

در پایان رمان سووشون، هنگامی که یوسف (قهرمان رمان)، شهید می‌شود، شهادتش همه مردم را یکجا جمع می‌کند و به تظاهرات و مبارزه‌ای بر ضد استعمار تبدیل می‌شود. با استفاده از این شیوه، دانشور ضمن توجه به ارزش شهادت و قیام امام حسین (ع)، به عنوان سمبل ایستادگی، ایثار و گذشت در راه آزادی و انسانیت، شهادت را به عنوان یک عنصر هویت-بخش، که باعث هم‌سوایی مردم می‌شود، مورد توجه قرار داده است. سوگ سیاوش در پایان سووشون و عزاداری یوسف و نیز عزاداری امام حسین (ع) و شهدای کربلا از زبان عمه خانم، دیگر نشانه‌های این پیوند است. عمه‌خانماز کلمه "به شهادت رسید"، به مناسبت شهادت ... سخن می‌گوید و ملک‌رستم هم مانند عمه‌خانم عقیده دارد که باید شهادت بنویسید نه در گذشت. بدین ترتیب رمان پس از مرگ یوسف تبدیل به اثری در تجلیل شهادت می‌شود. مادر یوسف به کربلا می‌رود تا در جوار امام حسین (ع) آرامش یابد. عمه خانم نیز مدت‌هاست که می‌خواهد به کربلا برود و مجاور حرم امام حسین (ع) ساکن شود، اما پس از دفن یوسف می‌گوید: «شهید من همین جاست. کاکای من همین جاست. کربلا بروم چه کنم؟» (دانشور، ۱۳۴۸: ۳۰۳).

فصل آخر رمان که توصیفی از تشییع جنازه یوسف است، یکی از مؤثرترین وصف‌های حرکت مردم در ادبیات معاصر ایران است. تشییع جنازه به تظاهرات ضد استعماری تبدیل می‌شود. فکر اصلی، پرداختن به انسان مبارز است؛ به همین دلیل در سراسر رمان، شاهد درگیری یوسف (قهرمان رمان) با آدم‌های خود فروخته هستیم؛ هر چند یوسف در این کشاکش به

شهادت می‌رسد، اما عامل بیداری دیگران و بخصوص همسرش زری می‌شود (میر عابدینی، ۱۳۸۶: ۴۷۴).

۲-۵-۵- تصویر امید به آینده و پیروزی

یکی از ویژگی‌های ادبیات پایداری ارائه تصویر روشن از آینده است. ادبیات در این میدان از پستاریکی‌های ظلم و ستم، بهروشنایی فردا نظر دارد و می‌کوشد با نوید و بارقه امید دل‌ها را روشن نگه دارد و این درسی است که نویسندگان از آموزه‌های دینی فراگرفته‌اند.

در سووشون با آیه «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح/۱) ندای پیروزی می‌دهد و چونجنازه یوسف را شبانه به خاک می‌سپارند و مک ماهون در تسلیت امیدبخشی به زری می‌نویسد: «گریه نکن خواهرم، در خانه‌ات درختی خواهد روید و درخت‌هایی در شهرت و بسیار درختان در سرزمینت. و باد پیغام هر درختی را به درخت دیگر خواهد رسانید و درخت‌ها از باد خواهند پرسید: در راه که می‌آمدی سحر را ندیدی؟» (دانشور، ۱۳۴۸: ۳۰۳)

امروز با گذشت هفتاد سال یاد و خاطره شهیدی را زنده نگه می‌داریم که ملت‌تی را زنده کرد؛ حال آنکه افراد بسیاری در یک ملت ظهور می‌کنند و به فراموشی سپرده می‌شوند. رهبری باید اینچنین باشد و چنین است که بزرگان نام خود را با خون سرخ‌شان ماندگار می‌سازند؛ خونی که نقشه میهن سلب‌شده را ترسیم می‌کند. صبح نوید را فریاد می‌زند و طلوع فجر را نشان می‌دهد.

سحر خلیفه امید به آینده‌ای روشن، جهاد سازندگی، آزادی و استقلال رادراصل و فصل از زبان شخصیت‌های داستان به تصویر می‌کشد. او تمام اقشار جامعه را مسئول نابه‌سامانی‌ها و عدم پیشرفت می‌داند و معتقد است که پیروزی حاصل نمی‌شود مگر در تغییر و تحوّل که در قالب هم‌بستگی عمومی صورت گیرد. تغییر باید از درون باشد. اندیشه‌ها باید تغییر کند و با نگاه به آینده، تلاش، مقاومت و پایداری سعی در ایجاد شرایطی متفاوت و انقلابی عظیم است؛ آنجا که می‌گوید: «إِنَّ الْجِيلَ الْقَدِيمَ سَيَتَغَيَّرُ إِذَا غَيَّرْنَا، أَنَّ التَّقْلِيدَ سَيَتَغَيَّرُ إِذَا كَسَرْنَا، وَأَنَّ الثُّورَةَ تُعْنِي التَّغْيِيرَ، وَأَنَّ التَّغْيِيرَ يَبْدَأُ بِالنَّفْسِ، فَوَاطَبْتُ عَلَى تَغْيِيرِ تَلْكَ النَّفْسِ نَفْسَهَا هِيَ...» (خلیفه، ۲۰۰۹: ۳۶۳) اگر بخواهیم، نسل گذشته به زودی تغییر می‌کند. اگر درهم بشکنیم، تقلید هم به زودی

تغییر می کند. انقلاب در پی تغییر است و تغییر از خویشتن آغاز می شود؛ پس خویشتن باید به تغییر خود همت گمارد.

۳- نتیجه

ادبیات پایداری گونه ای از ادبیات است که مضمون آن در بردارنده از خودگذشتگی، مبارزه و مقاومت در برابر دشمنان و تصویر عامی از چهره مردمی رنج کشیده می باشد. در این میان بررسی تطبیقی و تحلیل سطوح گوناگون دو رمان «اصل و فصل» و «سووشون» در گستره ادبیات عربی و فارسی، بیانگر وجوه مشترک بسیاری در اندیشه ها و محتوای دو رمان می باشد. شاید یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در این شباهت ها، تجربه مشترکی است که هر دو نویسنده از اوضاع اجتماعی، سیاسی، نبرد در برابر دشمن، دفاع از میهن خویش، باورها و ایمانی است که بدان دست یافته و کوشیده اند با تصویر ادبی و داستان گونه این مضامین را به تصویر بکشند. شناسه اصلی در هر دو نویسنده، عنصر تعهد است. هر دو با عشق و علاقه به نوشتن پرداخته اند؛ علاقه ای که در وطن و مردم نمود پیدا می کند. دعوت به مبارزه و مقاومت در برابر بیگانگان، میهن دوستی، گرفتاری مردم، آزادی، ستایش ایثارگران و شهادت طلبان، از مهم ترین مضامین پایداری در هر دو رمان است. هر دو معتقدند برای اینکه جامعه از وضع نابه سامانی رهایی یابد، باید همه دست به دست هم دهند و با وحدت در راه آینده ای روشن با تلاش و انقلاب قدم گذارند و برای آینده روشن که با تغییر از درون حاصل می شود، گام بردارند. نقطه قدرت رمان سووشون، ابتکار در شخصیت پردازی ضد استعماری، با بهره گیری از بن مایه فرهنگ حسینی و عاشورایی است. به نظر می رسد کار سحر خلیفه بیشتر جنبه تقلید از دانشور داشته باشد؛ لذا نیاز است حرکت انقلابی که در ذهن نویسنده می گذرد از حالت تک صدایی به فرهنگ تبدیل شود.

منابع

الف. کتابها

۱- أبو حاقه، أحمد (۱۹۷۹) **الاتزام فی الشعر العربی**، بیروت: دار العلم للملایین.

- ۲- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸) **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از آغاز تا عصر پهلوی**، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- ۳- پارسی نژاد شیرازی، کامران (۱۳۸۳) **«رمان استعمار نو، نقش مایه اصلی ادبیات استعمار نو»**، ادبیات داستانی شماره ۸۸، صص ۵۶ تا ۶۱.
- ۴- تاج بخش، احمد (۱۳۷۴) **سیاست های استعماری روسیه، انگلستان، فرانسه در ایران**، تهران: اقبال.
- ۵- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۹) **آشنایی با ادبیات مقاومت جهان**، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۶- خلیفه، سحر (۲۰۰۹) **اصل و فصل**، بیروت: دارالآداب.
- ۷- دانشور، سیمین (۱۳۸۴) **سووشون**، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ۸- سلیمی، علی؛ اکرم چقازردی (۱۳۸۸) **«نمادهای پایداری در شعر معاصر مصر»**، ادبیات پایداری، شماره ۱، صص ۷۱ تا ۸۸.
- ۹- شگری، غالی (۱۳۶۶) **ادب المقاومة**، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: نشر نو.
- ۱۰- طوقان، ابراهیم (۱۹۹۳) **الأعمال الشعرية الكاملة**، الطبعة الثانية، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- ۱۱- قبادی، حسینعلی؛ علی نوری خاتونبانی (۱۳۸۶) **«نمادپردازی در رمان های سیمین دانشور»**، پژوهش های ادب عرفانی، شماره ۳، صص ۶۳ تا ۸۶.
- ۱۲- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶) **ادبیات داستانی**، تهران: نشر بهمن.
- ۱۳- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶) **صد سال داستان نویسی ایران**، تهران: نشر چشمه.
- ۱۴- نجاریان، محمدرضا (۱۳۸۸) **«بن مایه های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش»**، ادبیات پایداری، شماره ۱، صص ۲۰۱ تا ۲۲۲.

ب. منابع مجازی

- ۱- ابودویح، موسی. (۲۰۱۰). www.odabasham.n
- ۲- القاسم، نبیه. (۲۰۱۰). www.nabih-alkasem.com، موقع الکاتب الفلسطينى،

۱۵- لحت، جمیل (۲۰۱۱) روایة أصل وفصل www.odabasham.n

۱۶- د، فرح (۲۰۱۱) قراءة فی روایة «أصل وفصل» www.odabasham.com

